

طرح های ارتجاعی برای آینده عراق و خاورمیانه محکوم است

(خط رسمی حزب حکمتیست)

عروج داعش، محصول دموکراسی غربی درعراق، حمله وحشیانه آن به شهرهای عراق، که با تباری ریاکارانه حزب دموکرات کردستان عراق (جریان بارزانی) صورت گرفته است، صرفاً پیش درآمد رویدادهایی به مراتب تعیین کننده تر شده است.

از پیش معلوم بود که در طرح نظم نوین جهانی، دموکراسی غربی مهندسی شده برای خاورمیانه و همه گوشه های بدور از تمدن غربی، قرار نیست کمترین بارقه ای از آزادی، از نوع همان نیم بندی که در غرب برقرار است، را به همراه داشته باشد.

سیستم حکومتی متکی به موزائیکی از سران خود گماره مذهبی و قومی، شیعه و سنی و عرب و کرد، و انداختن طوق هویت های ملی و مذهبی و قومی بر گردن شهروندانی که تا دیروز جدالی با هم نداشتند، تبدیل کردن قدرت مرکزی به قدرت مجمعی از سران دستجات مسلح قومی و مذهبی، الگویی است که بورژوازی غرب در مقابل تحولات انقلابی و کانونهای اعتراض مترقی در بطن جوامع خاورمیانه، قرار داده است. ... صفحه ۲

عراق پس از حمله نظامی امریکا، اشغال آن و سقوط صدام، تحولات تعیین کننده ای را از سر میگیراند. از ابتدا معلوم بود که دولت ائتلافی جریانات ارتجاعی قومی و مذهبی، محصول مستقیم حمله آمریکا برای پیاده کردن الگوی عراقی با دموکراسی غربی، قادر به تامین کمترین امنیت سیاسی، نظامی و مدنی در عراق نیست.

امروز عراق، در وحشت پیشروی داعش و نیروهای بعثی در قالب سنی و خوف پاک سازی های قومی و مذهبی، بسر می برد. سناریوی سیاه در عراق، هر روز سیاه تر از روز قبل، جامعه را به لبه پرتگاه تلاشی کشانده

سایپورت پوشان، مجلس را به وجد آوردند!

مونا شاد

حضور در آینده این خواهد بود که حسن سابقه برای اشتغال و تحصیل این افراد صادر نخواهد شد.

جمهوری اسلامی برای سرکوب زنان از هیچ تکتیکی دریغ نکرده است! هزینه های کلان برای فرهنگ سازی و استخدام و بکار گرفتن طراحان مد پوشش اسلامی، تحمیل مقنعه و حجاب برای کودکان دختر خردسال ۷ ساله در مدارس و اعزام طلبه های مفت خور و استخدام آنها در آموزش و پرورش به امید پرورش دختران زینب گونه، تا پرونده سازی برای ایجاد وحشت از عدم استخدام و شغل و تحصیل و ... همه و همه بعد از سی و چند سال بی حاصل بوده است. ... صفحه ۳

اسلامی بار بیاورد و آنها را از خیر کار کردن، درس خواندن و حضور اجتماعی، تماما خانه نشین کند. رحمانی فضلی وزیر کشور با اشاره به آمار نیروی انتظامی در برخورد با بانوان بدحجاب گفت: براساس گزارشی که صبح امروز، ۲۴ ژوئن، به دستم رسید؛ تاکنون ۲۲۰ هزار نفر به نیروی انتظامی برده شده و از آنها تعهد گرفته شده است. این اقدام باعث باز شدن پای ۹۰۰ هزار نفر به کلاترئی ها و دادرها شده است. تأثیر این

با آمدن فصل گرما، تهدیدهای رژیم هم مثل سابق درباره حجاب و پوشش شدت بیشتری پیدا می کند، بگیر و ببندها و سرکوب جوانان به جرم بدحجابی و امنیتی شدن فضای شهر توسط ارازل و اوپاش نیروی انتظامی و دستگیری جوانان به جرم مزاحمت برای نوامیس مردم و ... چیز جدیدی نیست. رودر رویی و جدال دایمی جوانان با حکومت هر روز به شکلی در جامعه نمود پیدا می کند یک روز با شال رنگی، گاه مانتوی کوتاه و امسال هم با شلوارهای چسبناکی بنام سایپورت که اینبار حضور این دختران حتی مجلس را به قول خودشان به وجد آورده است!

رژیم با درماندگی تمام تلاش می کند که تصویری غیر واقعی از زنان در جامعه به نمایش بگذارد. جمهوری اسلامی از ابتدای سع کارآمدنش همراه با سرکوب عریان زنان امید داشت تا با حربه اعدام، تجاوز و ضرب و شتم، شلاق و دستگیری و جریمه های سنگین، جنبش زنان در ایران را به اصطلاح

پلنوم سی و یکم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) برگزار شد!

پلنوم سی و یکم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)، روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۲۷، ۲۸ و ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ با شرکت کل اعضا کمیته مرکزی برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد. نشست کمیته مرکزی بعد از تصویب آئین نامه و تعیین هیئت رئیسه وارد دستورات کار خود شد.

دستورات پلنوم کمیته مرکزی عبارت بودند از:

- ۱- گزارش
- ۲- کار حزب در عرصه های مختلف
- ۳- انتخابات

علاوه بر دستورات فوق سه سمنیاری که کمیته رهبری پیشنهاد کرده بود، در دستور نشست کمیته مرکزی قرار گرفت، که عبارت بودند از: روند تحولات سیاسی در جهان و خاورمیانه، سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی و مباحثات حول آن و سیاست سازماندهی ما در میان طبقه کارگر.

گزارش کار کمیته رهبری توسط دبیر کمیته مرکزی به پلنوم ارائه شد. آذر مدرسی در گزارش خود ضمن اشاره به تحولات عراق و منطقه و موقعیت جمهوری اسلامی به پروژه ها و وظایفی پرداخت که پلنوم سی ام کمیته مرکزی بر دوش رهبری نشسته حزب قرار داده بود.

آذر مدرسی همزمان به موانع و کمبودهای این دوره نیز اشاراتی کرد. لازم به ذکر است که کمیته رهبری حزب از قبل اسنادی را که وظایف حزب در عرصه های مختلف، بر متن اوضاع سیاسی فعلی و موقعیت و امکانات حزب و همچنین تدقیق جنبه هایی از مسائل سبک کاری را روشن کرده بودند، در اختیار اعضا کمیته مرکزی قرار داده بود. اعضا کمیته مرکزی با تأیید گزارش در ادامه به جوانب مختلف کار این دوره حزب و شرایطی که حزب در آن قرار دارد، پرداخت. ... صفحه ۳

“استقلال کردستان عراق” صورت مسئله چه کسانی است؟

فواد عبدلهی

بدنبال شکست استراتژی آمریکا در سوریه، گشودن جبهه ای جدید در منطقه تحت هژمونی دولت آمریکا الزامی شد. و کجا بهتر از حیاط خلوت مطمئن و امن ناتو، یعنی کشور اشغال شده عراق! به همین دلیل داعش بر خلاف تبلیغات گمراه کننده، یک شبه سوار بر قالیچه جادویی و از تنبان شرایط بیرون نیفتاد، بلکه آگاهانه و از قبل به لوژیستیک و تدارکات نظامی، مهمات و نفربر مجهز شد و بساط اش به راه افتاد. با اعلام رسمی خلیفه گری بغدادی، و به دنبال آن تباری و فراخوان بارزانی به تاسیس کردستان مستقل، کم کم “زادخانه آمریکا” و دول غربی در خاورمیانه بر ملا می شود: کشف دوباره مجموع الجزایر خلق الساعه در پس تجزیه عراق! ... صفحه ۴

طرح های ارتجاعی ...

”خاورمیانه بزرگ“، با افق تغییرات مورد نظر بورژوازی غرب، همین منجلاپی است که هر روز از جایی سرباز میکند. در خاورمیانه بزرگ هر روز گروهی تروریستی مخوف تر از گروه قبلی، عرض اندام میکنند و با گسترده کردن فضای خوف و وحشت قرون وسطایی بر زندگی مردم، تلاش می کنند تا همگان را به رضایت به وضعیت سیاه دیروزشان به قناعت بکشاند. سناریوهایی که امروزی یکی پس از دیگری توسط دولت های منطقه ای و دول امپریالیستی برای حل بحران عراق جلوی صحنه می آیند، همگی بخشی از پروژه شکل دادن به خاورمیانه بزرگ و حاکم کردن نظم جدید بر آن است. نظم جدیدی که در دل آن، از یک طرف منافع بلند مدت تر قدرت های اصلی اقتصادی و سیاسی جهان، آمریکا و اروپا و چین و روسیه، تضمین شود و از طرف دیگر به اندازه کافی میدان برای استفاده از بحران خاورمیانه برای حل و فصل تقابل ها و رقابت ها بین اروپا و آمریکا و روسیه و چین، همیشه باز بماند.

خاورمیانه بزرگی که قرار است آمریکا و دول غربی از این پس در آن مستقیماً و با نیروی نظامی خود دخالت نکنند، و آن را برای خود خاورمیانه برای حل و فصل بحرانها و تخصیصات بر جای بگذارند، صحنه ای سیاه تر از قبل است.

قرار است خاورمیانه را برای نیروهای محلی تا مغز استخوان ارتجاعی و دولت های جنایتکاری چون عربستان، قطر، ایران، ترکیه و کویت و اسرائیل و ... بر جای بگذارند تا هم توازن قدرت مناسب میان خود و در راستای منافع بورژوازی جهانی برقرار شود، و هم تضمین داخلی و خودی، جهت مقابله با هر گونه امکان سرباز کردن اعتراضات مترقی و انقلاباتی از جنس انقلابات تونس و مصر، ایجاد شود.

در سناریوی ”خاورمیانه بزرگ“ هر تحرکی برای تقسیم شهروندان به اقوام و عشایر و قومیت ها و ملیت ها و راه اندازی نیروهای باند سیاهی با پول و اسلحه ایران و عربستان و قطر و ترکیه و کویت ... و با مدیریت قدرت های بزرگ امپریالیستی، مورد حمایت قرار میگیرد.

عراق در بحران سرنوشت سازی بسر میبرد،

بحرانی که ترکش های چگونگی حل و فصل آن، نه تنها سیمای خاورمیانه جدید، که جهانی جدید پس از شکست نظم نوین جهانی را در مقابل چشم همگان میگذارد. تبدیل کشورهای خاورمیانه، به موزائیکی از جوامع و حکومت های قومی و مذهبی، نسخه رهایی غرب از معضل خاورمیانه است. جوامع موزائیکی که توازن قدرت در آن به نیروهای محلی و منطقه ای، ایران، ترکیه، عربستان، قطر، کویت و اسرائیل و ... واگذار شود.

اگر غرب میخواست و میخواهد مانع گسترش مدل یوگسلاوی دیروز و اوکراین امروز در اروپا شود، اگر در مقابل تبدیل اروپا به محل حل و فصل تخصیصات سیاسی به مدل رواندا و سومالی محدودیت هایی میگذارد، در مقابل گسترش عنان گسیخته این نسخه ها برای خاورمیانه و هر نقطه دیگری در مناطق دور از حوزه اروپا و غرب، نه تنها نخواهد ایستاد، که بنا به منفعت روز خود و برای حل و فصل رقابت و توازن قوا میان خود دول غربی، به آن دامن خواهد زد.

در این میان، موقعیت کردستان عراق به دلیل امنیت نسبی که در دل سناریوی سیاه عراق بوجود آمده بود، و به دلیل توافقات امروز دولت اقلیم کردستان با داعش، تعیین کننده است. کردستان عراق میتواند سنگر دفاع از مدنیت و امنیت در مقابل تعرض داعش و هر نیروی ارتجاعی دیگری باشد.

این سنگر اما تنها و تنها توسط طبقه کارگر عراق و کمونیسم این طبقه در عراق و کردستان عراق میتواند برپا شود. تا با تشکیل گارد مسلح توده ای و به کنترل گرفتن محلات زندگی، محل های کار و شهرها، تعرض امروز داعش و فردا هر نیروی سیاهی را عقب بزنند. موقعیت کردستان عراق، امروز به محل و گره گاه، پیشبرد سیاست خاورمیانه بزرگ قومی - مذهبی، تبدیل شده است.

امروز دولت اقلیم کردستان، حزب دمکرات کردستان عراق و شخص بارزانی، از این موقعیت نه برای مقابله با گسترش تروریسم و جنگ و حفظ امنیت، که برای گسترده کردن قدرت بورژوازی کرد، از مصائب و مشقات مردم محروم کردستان عراق، استفاده میکند؛ تا در دل این بحران، در رقابت با بورژوازی عرب، سهم بیشتری کسب کند. طرح رفتارندم برای استقلال کردستان عراق،

نه طرحی برای حفظ و گسترش امنیت در کردستان عراق است و نه طرحی برای پاسخ به خواسته های عدالتخواهانه مردم در کردستان عراق. بحران و سناریوی سیاه در عراق، بیش از یک دهه است که بورژوازی کرد را در عراق تقویت و خزانه آن را پر پول و سرمایه کرده است. طبقه کارگر در کردستان عراق تجربه حاکمیت دولت اقلیم را با گوشت و پوست خود تجربه کرده است. وعده بارزانی برای تقسیم درآمدهای نفتی بیشتر بین مردم، دروغ آشکاری است از نوع همان دروغ هایی که خمینی به مردم ایران وعده میداد. جدایی کامل منفعت بورژوازی کرد از رفاه و آزادی و منفعت طبقه کارگر و محرومین جامعه در هر جای جهان به روشنی تجربه نشده باشد، در کردستان عراق با حاکمیت دولت اقلیم کرد، تجربه شده است.

استقلال کردستان که دیروز برای پایان دادن به آوارگی یک جامعه میتوانست معنی داشته باشد امروز کابوسی بیش نیست. این کابوس، که به واقعیت پیوستن آن بسیار غیر محتمل است، نسخه ایجاد ناامنی و تبدیل کردستان عراق به محل جنگ دستجات قومی و مذهبی است. طرح استقلال کردستان امروز، برخلاف هیاهوی تبلیغاتی ناسیونالیسم کرد، نه طرحی برای امنیت و صلح که بخشی از طرح خاورمیانه تقسیم شده به جزایر قومی و مذهبی با جنگ های خونین صلیبی است.

دولت اقلیم کردستان عراق، با طرح مسئله استقلال، مستقل از امکان اجرا و عدم اجرا آن، فی الحال در شیپور جنگی مذهبی و قومی میان عرب زبانها، کرد زبانها، شیعه و سنی را به صدا در آورده است. وظیفه هر کارگر کمونیست و هر فرد آزادیخواهی است که این واقعیت را به محرومین جامعه در کردستان عراق در هر کجای خاورمیانه، توضیح دهد. استقلال کردستان آغازگر جنگی قومی و مذهبی بر سر جغرافیای دولت کردستان و پاکسازی قومی و مذهبی غیر کردها از کردستان و برعکس، خواهد بود.

از نقطه نظر مردم کردستان عراق، که سهمشان چه تحت رژیم قومپرست و جنایتکار عراق و چه در نظم نوین جهانی و منطقه امن سازمان ملل و آمریکا و چه

تحت حاکمیت احزاب ملی - عشیتری و ارتجاعی کرد، جز رنج و محرومیت و آوارگی و بی حقوقی نبوده است، این یک چرخش ارتجاعی دیگر در اوضاع است که بار دیگر دورنمای تاریکی را در برابر میلیونها مردم قرار داده است. این بار دولت اقلیم کردستان مصائب این مردم را دستمایه براه انداختن شکاف و تخاصم و جنگ میکند. دولت اقلیم کردستان به بهانه مسئله ملی، و تحت عنوان حق جدایی، در رقابت و سهم خواهی بیشتر از بورژوازی عرب، در شیپور جنگ قومی دیگری علیه مردم در کردستان عراق میدمد.

ایجاد یک کشور مستقل کردی، حتی اگر شکل بگیرد، در حمایت تاکتیکی ترکیه و در جنگ با نیروهای شیعه طرفدار ایران و در جنگ با نیروهای سنی در مناطق الحاق شده به کشور کردستان، کابوسی بیش نیست. رویای ناسیونالیسم کرد برای شکل دادن به دولت قومی کردی در قلب خاورمیانه بحرانی، به مدل اسرائیل، پوچ است. حفظ موجودیت اسرائیل دیگری در دل خاورمیانه بحران زده امروز و با سیاست نظم امپریالیستی نوین خاورمیانه، نه تنها اولویت بورژوازی جهانی و غرب نیست، که چنین موجودیتی میتواند سومالی و رواندای دیگری برای مردم محروم کردستان عراق بسازد.

رویدادهای اخیر عراق، حکم آشکار محکومیت همه دولتها و احزاب بورژوایی و ارتجاعی درگیر در منطقه است. سهم آمریکا و دول غربی و سازمان ملل ها و رسانه هایشان در مشقات امروز و دو دهه اخیر مردم عراق و کردستان غیر قابل انکار است.

میلتاریسم آمریکا و دولت های منطقه، عربستان و قطر و ترکیه و ایران، و جنایاتی که علیه مردم کل عراق مرتکب شده و باز تدارک می بینند، باید قویا از جانب هر کس که سرسوزنی برای آزادی و انسانیت دل میسوزاند محکوم شود. داعش فرزند خلف میلتاریسم غرب و بزرگ شده دامن عربستان سعودی و قطر است، همانطور که دستجات میلینات شیعه فرزند جمهوری اسلامی ایران اند.

اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ

کارگران جهان متحد شوید!

طرح های ارتجاعی ...

جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارند، بلکه خود جزو اولین مواعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند. رهایی مردم کردستان بدون خلاصی از سلطه این احزاب ارتجاعی و پایان دادن به میداناری آنها در صحنه کردستان ممکن نیست.

طرح های همه این مرتجعین علیه زندگی و هستی و حرمت و آزادی مردم عراق را میتوان نقش بر آب کرد. شرط اصلی رهایی و آزادی مردم عراق، خلاصی از چنبره این دول و احزاب ارتجاعی و گرد آمدن آنها حول پرچم سوسیالیسم و طبقه کارگر و صف کمونیسم کارگری در منطقه است.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی، تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی و تروریستی درگیر در صحنه امروز عراق و کردستان عراق، و افقهای ضد مردمی تقسیم بندی های قومی و مذهبی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در عراق و در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی، هر نوع توافق از بالا میان دولت مالکی و بارزانی و آمریکا و عربستان و ایران و ترکیه و قطر و کویت و ... و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی عراق و کردستان عراق را مردود میداند. دخالت های نظامی و تحرکات دیگر دول ارتجاعی منطقه، بویژه ایران و ترکیه و عربستان قویا محکوم است و باید فوراً پایان داده شود.

سازمان دادن مقابله نظامی، سیاسی و اجتماعی علیه پیشروی داعش و هر نیروی ارتجاعی محلی و منطقه ای و بین المللی، وظیفه نیروهای کمونیست و طبقه کارگر است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)
۶ ژوئیه ۲۰۱۴

سپورت پوشان ...

زنان و دختران جوان هر روز و هر لحظه برای بدست آوردن هر ذره از آزادی مبارزه می کنند. خواست و مطالبات زنان و مردان و جوانان، آروزهایشان برای داشتن یک زندگی استاندارد و روابطی آزاد نه تنها کمتر از آنچه در غرب وجود دارد نیست، بلکه آزادی را تمام و کمال می خواهند، برایش مبارزه می کنند و از خط قرمزها عبور کرده اند.

رحمانی فاضلی زنان در ایران را به چند دسته تقسیم می کند: ۱ - افراد عامل و معتقد که اکثریت بانوان کشور را تشکیل می دهند، افرادی که به عفاف و حجاب معتقد ولی اهل تساهل و تسامح هستند، ۲ - افرادی که به حجاب و عفاف معتقد نیستند ولی ادب اجتماعی را رعایت می کنند ۳ - دسته آخر بانوانی که اعتقادی به عفاف و حجاب نداشته و در عین حال به ادب اجتماعی نیز پایبند نیستند.

حتی اگر سنجش و معیار باورهای اخلاقی و حجاب زنان را بنا به دسته بندی وزیر کشور بگذاریم، به جرأت می توان گفت هیچ زنی برای حجاب و عفاف تره هم خورد نمی کند و رعایت حجاب و عفاف اجباری برایشان پوچ و بی ارزش است. حتی بر اساس دسته بندی فاضلی، این واقعیت که در ایران حجاب با جمهوری اسلامی عملاً بر باد رفته است، را به زبان دیپلماتیک و عوام فریبی آخوندی، به روشنی بیان میکند.

مبارزه ی زنان علیه حجاب اجباری در خیابان ها، مانند میدان بازی ست که زنان بی حجاب با منتوهای کوتاه و سپورت پوشان، در آن میدان شکست سنگینی را بر رژیم تحمیل کرده اند. تا جایی که ۱۳۵ نماینده مجلس

بخاطر عدم موفقیت در سرکوب زنان و عقیم ماندن طرح عفاف و حجاب، به وزیر کشور کارت زد داده اند! کارت زردی که وزیر کشور دریافت کرده است، نه از سر لطف رژیم در سرکوب زنان، بلکه نشان از مقاومت زنان علیه ارتجاع، عقب ماندگی و هرگونه واپسگرایی ست. این یک پیشروی جنبش دفاع از حق زن در ایران است و برخلاف توصیه طیفی از اصلاح طلبان حکومتی، نباید چشم به بالا داشته باشد و قناعت کند. دستاورد، دستاورد پائین است که به زور زنان و جوانان تحمیل شده است و برای مقاومت و تعرض به بنیادهای رژیم ناچار است که به نیروی پائین اتکا کند.

چیزی که مهم است زنان و جبهه برابری طلبی در ایران باید با طرح مطالبات رادیکال و آزادیخواهانه به قدرت واقعی خودشان باور داشته باشند که همانطور که تاکنون زیر بار هیچ تحمیل و اجباری از سوی رژیم سیاه اسلامی نرفته اند و تمامی موانع را به سختی زیر پا نهاده اند، باز هم می توانند به شکلی سازمان یافته تر از تعرض ارازل و اوپاش رژیم و مزاحمت و دستگیری دختران و زنان هم جلوگیری کنند. و باز هم جلو و جلو تر روند و تمام حقوق خود را به نیروی خود کسب کنند. برای این کار، دخالت فعالین سوسیالیست و رادیکال زنان در این مبارزه ضروری است.

تاریخ مبارزه ی زنان نشانگر آنست که همیشه زنان رادیکال و سوسیالیست در صف اول و در صدر مبارزات رادیکال بدست آوردن زندگی بهتر بوده اند. اکنون هم زنان و جوانان رادیکال و سوسیالیست با متشکل شدن در محل، و با طرح ابتکارات مناسب

وقتی تعرض به زنان از طرف عوامل پلیس و اوپاش رژیم را میبینند باید پاسخی درخور به این نمایندگان قانون را تدارک ببینند. این یک آرزو یا یک خیال واهی نیست، مبارزه تک تک زنان در کوچه و خیابان میتواند تبدیل به یک مبارزه ی جمعی و گروهی علیه حجاب اجباری و همه قوانین ارتجاعی ضد زن شود. میتوان ماشین زن ستیزی جمهوری اسلامی را به شکلی سازمان یافته و اجتماعی، بیش از این فلج کرد.

مبارزات پیگیر زنان در ایران برای کسب حقوق برابر سابقه ای طولانی دارد، اما بدیهی است که این مبارزات از همان آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد، چراکه برخی دستاوردهای هرچند محدود گذشته، از همان آغاز بقدرت رسیدن یک حکومت مذهبی مورد حمله قرار گرفتند. مبارزات زنان ایران طی این ۳۵ سال، البته تحسین همگان را برانگیخته و در سهم خود در تضعیف حکومت مذهبی و بهبود موقعیت بخشی از زنان در جامعه شهری تاثیر بسزایی داشته است، اما به همان اندازه مهم است که تاکید شود که این مبارزات نه محصول پوست اندازی های جناح های معتدل رژیم، لیبرالها و بورژواهای وطنی، بلکه از همان هفته های اول بقدرت رسیدن رژیم اسلامی شروع شد و در طول این سه دهه به اشکال گوناگون ادامه یافته است و از این زاویه، نشانه ای است از پیروزی مدرنیسم بر نیروهای مذهبی و قرون وسطایی در جامعه ما و نیز گواهی از ظفرمندی امررهای زنان بر تفرقه متناقض و پست مدرنیست مدافعان فمینیسم اسلامی.

پس از گزارش، اسناد تهیه شده که شامل کار آینده حزب در عرصه های مختلف از تشکیلات حزب در ایران، تبلیغات حزب، کار ما در کردستان و کار خارج میشد مورد بحث پلنوم قرار گرفت. اعضا کمیته رهبری و کمیته مرکزی به جوانب مختلف کار حزب و نقشه ها و اسناد پرداختند. کمیته مرکزی اسناد فوق را تصویب کرده و از کمیته رهبری آتی خواست که اجرای آنها را در دستور خود بگذارند. در دستور انتخابات ابتدا آذر مدرسی به عنوان دبیر کمیته مرکزی در موقعیت خود ابقا شد و بدنبال انتخاب کمیته رهبری برگزار شد. کمیته مرکزی مجدداً بر تمرکز رهبری نشسته حزب تاکید داشت و چهار رفیق کاندید، رفقا امان کفا، ثریا شهابی، فواد عبداللهی و خالد حاج محمدی به اتفاق آرا به اضافه دبیر کمیته مرکزی به عنوان کمیته رهبری حزب برگزیده شدند. همزمان امان کفا به اتفاق آرا به عنوان معاون دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد.

سمینار های کمیته مرکزی بخشی مهم از کار پلنوم بود. این سمینارها شامل روند تحولات سیاسی در جهان و خاورمیانه، سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی و مباحثات حول آن و سیاست سازماندهی ما در میان طبقه کارگر بود که، به ترتیب توسط رفقا آذر مدرسی، امان کفا و مصطفی اسد پور برگزار شد. اعضا پلنوم در هر سه سمینار و مباحثات آنها دخالتی جدی کرد. در این سمینارها که با هدف هم نظری و تبادل نظر در کمیته مرکزی برگزار شده بودند، بحثهای بسیار جدی و قابل توجهی صورت گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
اول ژوئیه ۲۰۱۴

مرکز جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

استقلال کردستان ...

کردستان خودمختار و به اصطلاح "مستقل" تحت خلافت بارزانی که دهه هاست آب و نان از دست ناتو در مرزهای ترکیه تحویل می گیرد، مناسبترین ابزار جهت ایجاد درگیری های قومی و نهایت امر سیاستگذار منافع بی ثبات غرب در منطقه خواهد شد. این را تاریخ به ثبوت رسانده است؛ از همان دو دهه پیش که باد در بوق جنبش "کردایی" و سرکردگان آن انداختند تا امروز که بعضی ها همراه با مفسران و گزارشگران و صاحب نظران و رسانه های تحت نظارت و تایید غرب، استقلال بابا بارزانی و "عمو" طالبانی را با سکولاریسم، حل مسله ملی و رفع ستم طبقاتی طاق زدند، در حقیقت یا سکوت کرده بودند یا زیرجلجلی مشغول باد زدن ارتجاع قومی و قبیله ای در عراق بوده اند. هدف آشکار است؛ بزک کردن عاملین و پادوهای اشغال نظامی و قلم گرفتن فاکتور بیش از یک دهه تهاجم وحشیانه آمریکا و به توبه کشیدن خاک عراق و پنهان داشتن پیامدهای هولناک اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن برای مردم این کشور! در عوض، کردستانی قومی و مستقل بر شالوده هویت و نفرت قومی از مردم عرب زبان و در همان حال ضامن ادامه هژمونی سیاسی و نظامی غرب در این منطقه.... بی خود نیست که بنیامین نتانیاهو و اردوغان مدافع پروپاقرص استقلال کردستان عراق و برپایی کردستان بزرگ اند.

در این میان، حزب کمونیست کارگری، همراه با جماعت خجول هیت دایم و کومله ابراهیم علیزاده که سنگ کارگر و کمونیسم را به سینه می زنند نیز پیشقراول این استقلال اند. زهی خیال باطل! آنچه در عراق می گذرد چیزی به مراتب فراتر از رویایی است بنام استقلال کردستان. در این شیرتوشیرتنها بحث استقلال کردها مطرح نیست، بلکه داعش قبل از همه و بیش از همه سهم میخواد؛ سهم سیستانی و صدر و مالکی را چه میکنید؟ آلترناتیو قومی - مذهبی (خاورمیانه بزرگ) که اگر عملی شود که دارد می شود، ما به ازای پژواک آن در کردستان ایران، چیزی نیست جز آتش زدن هر ماشین پلاک غیر کردستانی توسط جریانات ناسیونالیست کرد و جوجه فاشیست ها! پاسخ قومی به مسله امروز عراق را بارزانی بهتر از هر کسی نمایندگی می کند. صرف نظر از اینها یا نیم نگاهی به متفقین و متحدین این "استقلال"، از نتانیاهو تا اردوغان تا بارزانی تا نوادگان عمو طالبانی، آنوقت کارگر و کمونیست عراقی حق دارد بپرسد که شما چگونه تحت نام کمونیسم و کارگر به صرافت همرنگی با سناریوی قومی - مذهبی کردن جامعه عراق افتاده اید!

در شرایطی که فوج فوج از مردم فلسطین و

موصل و تکریت، تحت توحش کهنه بعثی ها و اسلامیون سنی در خون می غلطند، ناگهان فیل حضرات یاد قوم و زبان مردم سلیمانیه و اربیل می افتد. راستی چه فرقی هست که سریعاً باید کرد نجات یابد و چند میلیون انسان دیگر را با حذف گزاره عرب از آن ها ناخواسته به دام داعش رها کرد؟! کردستان مستقل در تمام این ده دوازده سال که فرصت طرح و ترویج آن برای امثال کومله بود و شرایط آن کاملاً در عراق مهیا بود چرا هیچ گاه طرح نشد اما درست در زمانی که توحش اسلام گرایی در عراق می تازد، روپیده است؟ نتیجه منطقی عدم تقابل ناسیونالیسم کرد با داعش آیا چیزی غیر از هم ذات بودن این دو جریان است؟ ید طولانی عشیره بارزانی و ناسیونالیسم کرد در کشتار مسیحیان کلدانی و آشوری و ترکمن ها در کرکوک، اربیل، دهوک و زاخو چه تضمینی به شما می دهد که بار دیگر این فاجعه در تقسیم زمین های کرکوک و نفت آن پیش نیاید؟ منافع طبقه کارگر در کجای جهان در قالب یک حکومت سکولار و دموکراتیک و آزاد تأمین شده است که در کردستان و در دل اسلام گرایی ترکیه، حکومت شیعی ایران و خلافت سنی داعش تأمین گردد؟! شما این استقلال را از کجایتان درآورده اید؟ پروسه به اکثریت رسیدن آرا در جدایی کردستان در شرایط آزادانه انتخاب مردم کردستان اتفاق می افتد و یا بر متن یک جنگ کوچ به کوچ بر سر خاک پاک کردستان؟! سناریویی همانند

جدایی آزادانه صرب و کروات در انتظار مردم در عراق و کردستان عراق!

این سوالات یک نکته را می رساند و آن اینکه اینها و بطور اخص حزب کمونیست کارگری ایران کاسه داغتر از آتش شده اند. خود بارزانی آنقدر بر سر حق ملت کرد که یک دهه است به مشروطه اش رسیده، نمی گوید که امثال محمد آسنگران میگویند. اینها از سر ضدیت با جمهوری اسلامی به مدافعین سرسخت قومی کردن منطقه و به خون کشیدن زندگی مردم و طرح خاورمیانه امریکا و رویای کردستان متحد اسرائیل به شرط تضعیف رژیم اسلامی چشم دوخته اند و در آینده سیاهی که ارتجاع بین المللی قصد دارد در منطقه بپا کند، شریک اند.

بر کسی پوشیده نیست که در این جنگل دست ساز که اساساً محصول اشغال نظامی آمریکا و صدور حکم دموکراسی از پشت کلیدهای فرمان پرتاب موشک پنتاگون بود، سازماندهی یک مبارزه سراسری و همه جانبه در قطع شاهرگ های داعش و سناریوی سیاه قومی - مذهبی امروز در عراق، شرط ادامه حیات است.

آنها که میزان استحقاق "استقلال" شان را به توجیهات قومی متناسب می کنند شارلاتان هایی اند که بیش از یک دهه است نان اشغال عراق را میخورند و طرح صبرا و شتیلا را جلوی مردم عراق گذاشته اند.

در معرفی نشریه "نینا"

نینا نشریه ای از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) در کردستان است. نشریه نینا مسائل مهم ویژه این منطقه را از یک نگاه متفاوت تری از هر آنچه امروز هست، می نگرد. نینا کمونیسم دخالتگری را نمایندگی می کند که در خدمت ایجاد یک صف مستقل کمونیستی کارگری در جامعه است. در کردستان طبقه کارگر نه متشکل است و نه متحزب. این نشریه در خدمت کمک به هر دو عرصه است. در کردستان سنت مبارزه ناسیونالیستی یک مانع جدی در مقابل زندگی و فرهنگ و سنت مبارزه کارگر است. یک عرصه مهم و اساسی نشریه نینا جنگی تمام عیار با این سنت سیاسی است. سنن عهد عتیقی دیگر، منجمله سنن ضد زن و ضد زندگی مدرن و خرافات رنگارنگ، با هر ریشه کهنه، امروزه توسط رگه های مختلف سنت بورژوازی ناسیونالیست و اسلام گرا حمایت و تولید و بازتولید میشوند.

امکان تسلط بورژوازی تنها به قدرت اسلحه غیرممکن است. مذهب و ملیت و جنسیت و قوانین نوشته و نانوشته... عرصه های متنوع دخالت بورژوازی برای تسلط بر شعور و عقل و درک و فهم انسان کارگر است. اگر بورژوازی ناسیونالیست اسلامی حاکم بر کل ایران برای همه این عرصه ها پاسخ های قانونی خود را دارد، بورژوازی ناسیونالیست کورد، دژ سنی گری و کوردی و خودمانی را هم به آن اضافه میکند. در جaro کردن جامعه از این تولیدات سیستم سیاسی اقتصادی حاکم، نشریه نینا یک ابزار در دستان سازماندهندگان کمونیست در مبارزه روزانه است.

نینا دست و قلم همه آنها را میبوسد که در این مسیر با آن همراهی میکنند.

www.hekmatist.com

سرمدیر: فواد عبدالحی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری